

بسمه تعالی

گل واژه نیایش

جلسه چهاردهم دکتر غفرانی

اشکالات حواس چه در انسان و چه در حیوان

۱ فقط ماده را درک میکند (از درک غیر ماده عاجز است) چپستی را دریافت میکند هستی را متوجه نمیشود (ماده چیز متراکم است - جرم متراکم است - ما تراکم را ادراک می کنیم البته مواد آنرا هم محدود ادراک می کنیم)

۲ ماده را محدود ادراک میکنیم (مادون قرمز ماورای بنفش را ادراک نمی کنیم انسان شب کوری دارد اما بعضی حیوانات در تاریکی می بینند)

۳ ماده محدود را با خطا می فهمند (مثلا انگشت در لیوان را شکسته می بینیم یا دیدن خورشید و ماه که با خطا می بینیم)

۴ چیزهایی را که می بینند (مثل رنگ که وجود ندارد ولی انزاع میکنند حد را هم ادراک می کنید مثلا یک قطره آب را حدش را می بینید وجودش را نمی بینید در حالیکه حد اصلا وجود ندارد) در مورد همه چیز اینطور است خدا تجلی کرده شما محدوده را ادراک می کنید در عالم جز خدا هیچ چیز نیست)

۵ - حواس ما منفصل را متصل ادراک می کنند (از ۲۴ فرم یک تصویر را می بیند در تلویزیون تصویر را پیوسته و متحرک می بینید نقاشی ثابت را متحرک می بینید)

۶ متصل را منفصل ادراک می کنند هستی را ادراک نمی کنیم اشیاء را ادراک نمی کنید چپستی را ادراک نمی کنید ما اصلاً امکان تنهایی برایمان نیست)

۷ حواس چون ظاهر بین هستند خیلی زود همه چیز برایش عادی میشود و این عادی برایش ملاک میشود مثلاً بچه از پدر و مادر دنیا بیاید لذا تولد حضرت عیسی برایمان قابل درک نیست و یا با غذا سیر شویم در حالیکه حیات ما به غذا و آب ربطی ندارد هیچ غذایی به ما حیات نمی دهد ما مرده خوار هستیم - زنده خوار نیستیم بی جان به ما جان نمیدهد پس کسیکه جان میدهد کس دیگر است این کس دیگر است و در واقع حس حرکت و تغییرات دائمی ذرات بنیادین و الکترونها و سلولها و مادیات را هرگز درک نمی کنند حداکثر چیزهای پیرامونی را ثابت و باطل و بازیچه می بیند. ماده یعنی حرکت ماده نمی تواند ثابت باشد ولی حواس همه چیز را ثابت می بیند بعبارتی آفرینش هر لحظه اتفاق می افتد .

سوره آل عمران آیه ۱۹۰-۱۹۱

در علائم همه اش اختلاف است که آیاتی برای اولوالباب است اینها کسانی هستند که دائماً خود را در محضر خدا می بینند و دائماً در خلق اینها می اندیشند و میگویند این آمد و شد بیهوده نیست .

باطل مخالف حق است یعنی تاثیری در کمال ما ندارد

سوره دخان آیه ۳۸

من اینها را برای بازی نیافریدم درحالیکه شما زندگی را به بازی گرفته اید چون عادی شده لذا از مشکلات اصلی انسان این است که طبیعت برایش عادی شده و خیلی زود به هر چیزی عادت میکند (به طبیعت عادت کرده ایم)

و همین عادی شدن و عادت کردن باعث شده که زندگی را برایش یکنواخت و او را به بازی و تجدد و کسالت و افسردگی می کشاند (یعنی حکمت و علم خدا را هیچ گرفته ایم یعنی در آفرینش هیچ حکمتی نمی بینیم لذا حواس انسان عظمت و نوشدن (هر لحظه) جهان را هرگز درک نمیکند (خدا فرموده شما خشیت ندارید) در نتیجه اکثر مردم عاشق رب نیستند (یعنی ربوبیت خدا و حکمت خدا را نمی بینند و لذا عاشق او نیستند چنانکه حیوان خشوع و تواضع ندارند و ما هم همینطوریم لذا اولین ابزار پیامبران برای جلب نظر مردم ارائه آیات خارق العاده و معجزات بوده است در قرآن ۷۰ بار آیات آمده ولی معجزه نیامده معجزه ممکن هست ولی از توان جن وانس خارج است انسان از انجامش عاجز است .

عادت یعنی چه؟

عادت یعنی شرطی شدن تربیت یعنی ایجاد عادت بد است ما تزکیه رشد بلوغ و نمو دادیم ولی تربیت نداریم تربیت از ربی ربا است یعنی تغییرات کمی تربیت برای حیوان خوبست استکبار میخواهد تربیت کند که قابل پیش بینی شویم و یعنی انجام گفتار و رفتار خود بدون عقلانیت درونی و بامدیریت عوامل بیرونی

عوامل بیرونی : ترس ، رشوه ، معامله

زن اهل ندارد و ثانيا اهل زن و بچه نيستند فقط مراقب خود باشيد سوره
مائده آيه ۱۰۵ هيچ گواهي به شما ضرر نميزند - اهل در اهل بيت افراد
خاصي بودند ام سلمه نبود

عادت يعني گذران زندگي بدون اراده و علم و معرفت و عشق و تابع محيط
بودن (محيط بهانه خود شكوفائي است اين رشد است اين ادب است

در كتاب تعليم و تربيت تفكر و تعقل عقيم و كودكان تحقير و بزرگسالان به
سوي استكبار سوق داده ميشوند و ارزش افكار و عقايد هر فرد با ميزان
تحصيلات او رابطه مستقيم پيدا ميكند بي آنكه عقلانيت و انسانيت و ساير
عوامل مورد توجه قرار گيرند كارش اين است كه دانش آموز تفكر و تعقل
نكنند استكبار با تحميل نظام آموزشي خود به ملتها و ارزش دادن به مدرک
تو است روشنفكراني از خود بيگانه و مغرور و بردگاني مقلد و تنبل و
راحت طلب و مردمی تشنه مصرف بسازند بنا بر اين هر نوع عاداتي توهين
به عقلانيت خویش است مثل عادت به نماز خواندن هم بد است چون
عاشقانه نيست عاقلانه نيست عادت براساس خواسته هاست نه نياز خواسته
را محكم کرده اند نه نياز را يعني انجام كار بصورت عادت همان لغو است
انسان غافل از خود نياز و توانايي خود را نمي فهمد

امير المومنين مي فرمايند : افضل العبادة ترك العادة

بهترين عبادت ترك عادت است

در حديثي ديگر ذلوا انفسكم ترك العادات دليل كنيد نفس خود را به ترك
عادات

و قودوها الی فعل الخیرات و مطیع کنید نفس خود را به خیر و کار عاقلانه
با ترک عادات نفستان را رام کنید و آنرا با انجام خیرات مطیع کنید شکل
عادت و شکل خیر انگیزه آن فرق میکند و اسلام برای اینکه مردم به
چیزی عادت نکنند ((نیت)) را برای هر کاری واجب رکنی قرار داده است
اگر نیت سهوا هم فراموش شود آن کار شما را به آخرت نمیرساند

چرا گفته اند : انما الاعمال بالنیات

کار شما ارزشش به نیت است ارزش به باز خوردش نیست مبدا عمل چه
بوده است خود نماز ارزش ندارد ارزش آن به نیت است .

نیت یعنی چه : قرآن شکفتگی دانه و هسته را جدا از هم مطرح میکند

ان الله خالق الحب و النوى سورة انعام آیه ۹۵

خدا شکافنده دانه و هسته است

حب از حبوبات محبت حب حبیب محبوب

دانه پر از حب است ولی اینرا نمی بینیم

چرا دانه و هسته را جدا کرده ؟ شاید به این دلیل که دانه با مواد مغذی
ذخیره شده در لپه ها با اندک رطوبتی سبز میشود (خاک لازم ندارد و
فقط کمی آب برسد رشد میکند دانه مواد مغذی آماده دارد و عشق و محبت
خود را به نور زود ابراز میکند دانه عاشق نور است اما هسته اینطور
نیست مثل هسته هلو نارگیل و ...

ولی هسته (مثل تخم مرغ) تا اجزاء درونش یکپارچه و یکدست و منسجم و یک کاسه نشوند هیچ رشد و تولد و ظهوری ندارد (نطفه سفیده و زرده را یکی میکند نطفه مدیریت میکند یا یکپارچه شود و جوجه شود

ابتدا باید اجزاء هسته یکی شوند تا هسته عشق و عطش به نور را در خودش پیدا کند و از منفذ درون و از بند خاک برهد و استعدادهای و حیات خودش را ابراز کند و زیبایی ببخشد و محیط را هم تحت تاثیر قرار دهد (بچه آدمیزاد هسته است)

نیت از کله گرفته شده و ضرورت یکپارچگی درونی و عاشق شدن انسان را بیان میکند پس انسان با داشتن نفسانیت و ذهنیت گذشته نگر و انواع تمایلات و غرائز و آرزوها (ذهن به آینده کار ندارد – آرشیو اطلاعاتی ماست) تا عاقلانه یکپارچه و عاشق لقاء و تقرب به معشوقی واحد نشود و به او توجه پیدا نکند به سعادت و کمال نمیرسد باید تحت ربوبیت عقل در آیند و شخص عاشق دیدار خدا شود و همه کارش قربه الی الله شود (مثل سال پیش دانشگاهی که توجهش به کنکور است)

یعنی انسان هم مانند هسته و تخم مرغ تا همه تمایلات و آرزوها و احساسات و خواسته هایش را عاقلانه و مومنانه یک کاسه و جهت دار نکند و هیچ رشد و قیام و تعالی و تقرب و سعادت و مقام آخرتی و جاودانه نخواهد داشت تکامل یعنی هر روز نقص خود کمتر کنم . نقص مخالف کمال است

ایرادات هر روز کمتر شود هر چه به مقام نزدیکتر شوید اسماء و صفات خدا تجلی بیشتری پیدا میکند و دیگران هم بهتر جلوه خدا را در شما می بینند تقرب با رفع مانع باید اتفاق بیفتد

لذا رکن دوم نماز و زندگی و اوج عقل و بلوغ و قیام ((نیت)) انسان است در واقع نیت مانند دستگاه چپی پی اس موقعیت شخص را نسبت به رب العالمین مشخص و او را از هر انحرافی باز میدارد و هر چه دائم الذکر باشید چپی پی اس شما فعال است . خدا انسان عاقل و مومن تمام گفتار و رفتار و اخلاقش قربه الی الله است نیت های ما یکی بیشتر نیست

خداوند مهربان آنان را که لایق ببیند بخاطر نیت راست و سیرت پاکشان داخل بهشت میکند

بنابراین آنچه قرین ریاحی را از بند نفسانیت خود و بردگی یزید رها کرد و او را لایق بهشت کرد نیت او بود .

نیت حاکمیت قطعی عقل و فطرت الله بر نفسانیت انسان و انس و جهت گیری و توجه حق را بیان میکند لذا از منظرویی تمایل به ارتباط با مشرکان شرکت در شرک آنها محسوب میشود

سوره مائده آیه ۵۱

هر کس با آنها رابطه برقرار کند انگار با آنهاست پس طبق این آیه عضویت فرد در هر خوب و جریان بد یا خوبی تابع اظهارات او نیست بلکه تابع توجه قلبی اوست

انما الاعمال بالنیات و لكل امری مانوی

نیت با مهار عاقلانه غرائز و نفسانیت فرد را یکپارچه شود و عشق میکند و به کثرت اعمال و گفتار او وحدت می بخشد

به عبارت دیگر تا نیت و نگاه کلی انسان حق جو نشود احساس و گفتار و اعمال او حق جویانه نخواهد شد اگر نیت انسان قربه الی الله شود تمام رفتارهای او خوردن خوابیدن تعلیم تعلم ازدواج و... عبادت تلقی میشود و او را به محبوبش نزدیکتر میکند و صفات الهی را در او متجلی تر میکند لذا رشد تعالی یا تنزل ایشان در نیت و توجه و انس قلبی اوست پس میان انسان با انس و تعلق او حالت هم ترازایی است برای هر کار نیت داشته باشیم تا ارزش آخرتی داشته باشد

رسول اکرم : انسان به قدر همتش پرواز میکند

مثلا اگر حب دنیا بجای حب الله دل انسان را فراگیرد او را وارونه و با دنیا گریان همنوا و همراه میکند و در نتیجه زندگی او هم وارونه میشود و پر از خطا و گناه و شر و زیان میشود و او را از هر سعادت محروم می نماید حب دنیا راس کل حطیئه

لذا از منظر قرآن تا انسان علیه عقل و منطق درون خود طغیان نکند پیامبر بیرون را تکذیب نمیکنند

همه مخلوقات فقط تابع طبیعت و غرائز خویشند اما انسان تنها مخلوقی است که هر گونه تحولی در او تابع انس عاقلانه و توجه عالمانه او و همنوایی روح و قلب و حس و غرائز و ظاهر و باطن اوست پس انسان با هر نمازش باید بلوغ و طهارت و قیام و صدق نیت خود را بیشتر کند تا از

کثرت درون به وحدت بیرون و از خودسری به همسری با حق جویان
برسد .

ماه شعبان ماهی است که ما نیت خود را با اینها یکی می کنیم میخواهیم با
اینها همراه و همسفر شویم

اخلاص یعنی اجر نخواستن – توقع نداشتن – منت نگذاشتن

غافلین مانند برخی حیوانانند (سراپا نعمت برای دیگران و بی فایده برای
خود) و یا از آنها گمراهند

خدایا نیتم را به خالصترین نیتها برسان – صحیفه سجادیه

پس تثبیت یا تزلزل انسان در اطاعت از خدا تابع نیست و توجه قلبی اوست

خدایا قیام عاقلانه و نیت صادقانه را روزی ما بفرما

جهت ظهور امام زمان صلوات